

مقدس می دهید؟

همان طور که گفتید شعر در نهاد ایرانیان است و ایرانی‌ها همه بالقوه شاعرند. همه مطایبه‌ها، طنزها، پیامک‌ها و امثال و حکم، خاستگاهشان شعر است. من در تحقیقی ۲ میلیون صفحات روزنامه‌ها را از مهر ۵۹ تا مهر ۷۹ ورق‌زد و متوجه شدم نزدیک به ۴ هزار بیت استخراج کنم از کسانی که شاعر نبودند ولی حرف و دیدگاهشان را نسبت به دفاع مقدس به زبان شعر بیان کرده‌اند. یعنی لحظات بحرانی شاعر شده بودند. امروز هم در جاهایی مثل پشت ماشین‌ها، اطلاعیه‌های سوگواری، کارت پستال‌ها و غیره شعر وجود دارد. از این رو شعر دفاع مقدس رسالت خود را انجام داده است و ولی مسئولان کوتاهی کرده‌اند.

مسئولان باید چه کاری کردند که نکردند؟

باید توجه بیشتری می‌کردند در حالی که تاکنون نگاهشان بیشتر آماری و بی‌جان کار بوده است، اگر به شاعران حوزه دفاع مقدس توجه بیشتری می‌شد قطعاً آثار بهتری داشتیم که می‌توانست برای آیندگان به یادگار باقی بماند. این نگاه در نزد شاعران نگاهی مسئولانه بود ولی در نگاه مسئولان نگاه آماری.

گاه مسئولان بر گزاری کنگره‌ها را نوعی حمایت

تلقی می‌کنند

نه، بن‌مایه و اتاق فکر کنگره‌ها توسط شاعران انجام می‌شد. ولی چون امکاناتی نداشتند به هر حال نهاد یا سازمانی آن را برگزار می‌کرد.

آیا این جشنواره‌ها و کنگره‌ها سهمی در پیشرفت شعر

دفاع مقدس داشته است؟

قطعاً بی‌تاثیر نبوده است در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدیم که نزدیک به چهار صد شاعر خوب کشور با همین کنگره‌ها معرفی شدند. اما من می‌گویم این دایره آن قدر وسیع است که خیلی

این که من معتقدم تخیل می‌تواند در گذشته، حال و آینده زندگی کند. یعنی گذشته شعری، حال شعری و آینده شعری به همین دلیل است که ما می‌بینیم محتشم کاشانی آن دوازده بند معروف را می‌سراید. در حالی که عاشورا را ندیده است اما آن چنان می‌سراید که گویی خود در عاشورا بوده است. این به دلیل تخیل شاعر است که می‌تواند زمان را تصرف کند. از این رو شاعرانی هم که جنگ را ندیدند به مدد تخیل و فناوری‌های امروز مثل فیلم و... می‌توانند ارتباط لازم را برقرار کنند.

پس از جنگ شاعر می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف به جنگ نگاه کند به ویژه به سمت تأثیرات جنگ روی جامعه برود. از طرفی شعر به نوعی به عاطفه نزدیک شد و با خانواده‌ها شهدا ارتباط برقرار کرد و کمی نوستالژیک تر شد و بعدها شعر اعتراضی از دل شعر جنگ سر برآورد. البته نه اعتراضی به جنگ بلکه اعتراض به بی‌توجهی به ایثارگران، جانبازان و اهداف و آرمان‌های دفاع مقدس و به این طریق راه خود را ادامه داد.

این اعتراض قطعاً با مفهوم شعر ضد جنگ که در جهان

وجود دارد، متفاوت است.

دقیقاً مادر ایران شعر ضد جنگ نداریم. شعر اعتراض از نگاه ما نوعی شعر دفاع است و در واقع با نگاهی اعتراض آمیز از آرمان‌ها و اهداف دفاع می‌کند، به طور مثال من یک شب که باران می‌بارید از کنار ساختمان بنیاد جانبازان رد می‌شدم، جانبازی را دیدم همراه با همسر و فرزندش که پلاکاردی را آویزان کرده بود و روی آن مشکلاتش را نوشته بود.

ماشین‌ها بی تفاوت از کنارشان می‌گذشتند و او همراه با خانواده‌اش در زیر چتری که جوابگوی آن‌ها نبود، نشست بودند. اگر چه مردم با دیدن آن صحنه متأثر می‌شوند ولی یک شاعر با دیدن این صحنه شعر اعتراض می‌گوید. شعری ماندگار که نوعی ماهیت حق جویی دارد، در واقع اعتراض می‌کند به این که چرا در جهان باز ماندگان جنگ از امکانات رفاهی و احترام اجتماعی برخوردارند ولی در این جایک جانباز با خانواده‌اش باید زیر باران و کنار خیابان باشد.

از طرف دیگر مانده‌های جنگ را هم پاک کرده ایم. به طور مثال محله‌های مختلفی از تهران در زمان جنگ بمباران شد ولی امروز هیچ نشانی از آن محله‌ها و مکان‌ها باقی نمانده است و این موارد را شاعر می‌بیند و اعتراض می‌کند که چرا یک نماد و نشان از یک محله بمباران شده نداریم.

این جاست که شعر دفاع مقدس پس از جنگ به این سمت و سو هم کشیده شده است و چون شاعر باید زبان حال مردم خود باشد و همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی جلو برود، نمی‌تواند از این مسائل غفلت کند.

به نظر می‌رسد ادبیات انقلاب و دفاع مقدس در حوزه

شعر از حوزه ادبیات داستانی بوده است. شاید به این دلیل که مادر شعر دارای یک تاریخ و فرهنگ پرباری بوده ایم و به تعبیری رسالت ادبی انقلاب را با شعر بیشتر به دوش کشیده است تا داستان. شما چه نمره ای به شعر دفاع

دقیقاً مادر ایران شعر ضد جنگ نداریم. شعر اعتراض از نگاه ما نوعی شعر دفاع است و در واقع با نگاهی اعتراض آمیز از آرمان‌ها و اهداف دفاع می‌کند، به طور مثال من یک شب که باران می‌بارید از کنار ساختمان بنیاد جانبازان رد می‌شدم، جانبازی را دیدم همراه با همسر و فرزندش که پلاکاردی را آویزان کرده بود و روی آن مشکلاتش را نوشته بود.

